

سوگندهای خویش را با نام اشیای محسوس و طبیعی یاد می کند. اسلامی شاد (۱۳۹۱) در پایان نامه ای با موضوع شناخت خدا از راه دل و فطرت به بررسی خدانشناسی از ساده ترین و همه فهم ترین راه پرداخته است. راهی که در دسترس تمام بشریت از ازل تا ابد بوده و خواهد بود، از آنجایی که خدانشناسی اولین گام در مسیر دین و دینداری و عبودیت محسوب می شود نیاز به ارائه چنین راه ساده به خدا جویان به وجوب احساس می شود. بهاتا^۱ (۲۰۰۱) در مقاله ای با عنوان نابرابری و فقر برای توسعه اقتصادی مضر است، به بررسی اثرات مفید کاهش فقر و برابری درآمد بر رشد اقتصادی در امریکا می پردازد. با در نظر گرفتن مدل رگرسیونی که متغیر وابسته آن نرخ رشد درآمد سرانه و متغیرهای مستقل آن نرخ فقر، ضریب جینی جمعیت می باشد. ارتباط میان این متغیرها تبیین شده است. مطابق با نتایج، ارتباط معنادار و مثبت میان برابری درآمدها و فقر وجود دارد و نابرابری و فقر کمتر منجر به رشد اقتصادی بالاتر خواهد شد. کف آل غزال (۲۰۰۴) در مقاله ای با عنوان تأملی بر معجزات پزشکی قرآن کریم به این مبحث پرداخته که هیچ موجودی قادر به ایجاد قرآن نمی باشد. این کلام خداوند متعال است، خالق همه چیز و هر چیزی در احاطه علم اوست. بشر می تواند با کمک تکنولوژی جدید به نشانه هایی که خداوند قرنهای پیش آشکار کرده است برسد. عبدالواهب (۲۰۱۲) در رساله ای با موضوع مرگ ستاره ها از منظر قرآن بیان نمود، ستاره ها و اجرام آسمانی چرخه زندگی ویژه خود را دارند. آنها متولد می شوند رشد می کنند و سرانجام می میرند. هدف این رساله مطالعه مرگ ستاره ها مطابق با قرآن و ارتباط آن در زمینه نجوم بوده و قرآن به عنوان منبع حقیقت نهایی معرفی شد.

هدف اصلی در این پژوهش، چگونگی نقش آموزه های دینی بر جنبش فکری بشر

اهداف فرعی

۱. چگونگی نقش آموزه های دینی بر تحولات فکری بشر در زمینه ی فرهنگی اجتماعی
۲. چگونگی نقش آموزه های دینی بر تحولات فکری بشر در زمینه ی اقتصادی
۳. چگونگی نقش آموزه های دینی بر تحولات فکری بشر در زمینه ی علمی
۴. چگونگی نقش آموزه های دینی بر تحولات فکری بشر در زمینه ی شناختی

مفهوم فرهنگ^۲

فرهنگ به معنی تهذیب و پرورش و تعلیم و تربیت می باشد. فرهنگ با کاف فارسی، بر وزن و معنی فرهنگ است که علم و دانش و عقل و ادب و بزرگی و سنجیدگی است. فرهنگ، مجموعه ی اندوخته های معنوی، روحی، عقلی، علمی، اخلاقی و اجتماعی یک قوم است. فرهنگ

^۱. Bhatta

^۲. culture

خواهند گفت: اگر خدا می خواست نه ما و نه پدرانمان شرک نمی آوردیم و چیزی را خودسرانه تحریم نمی کردیم. کسانی هم که پیش از آنان بودند، همین گونه پیامبران خود را تکذیب کردند تا عقوبت ما را چشیدند.» [قرآن کریم، الانعام، ۱۴۸]. چنانچه مشهور است یکی از بدترین عادات آنان، زنده به گور کردن دختران بود. از آنجا که دختر، در آن جامعه ی دور از تمدن و فرهنگ که زور و خشونت در آن حاکم بود، نمی توانست همچون مرد، جنگاوری کرده و از قبیله ی خود دفاع کند و ممکن بود در درگیریهای قبیله ای به دست دشمنان افتاده، از آنان فرزند به دنیا آورده و مایه ی ننگ گردد، به این کار دست می زدند. برخی نیز در اثر اقتصاد پریشانی که گریبان گیر آنان بود از ترس فقر، به زنده به گور کردن دختران می پرداختند. در مجموع دختر در نظر آنان موجود شومی بود [تاریخ/اسلام، ص ۵۰].

دوران طلایی اسلام

ظهور اسلام در دهه ی سوم قرن هفتم میلادی در عربستان، موجب ظهور تمدنی نیرومند در مقابل تمدن مسیحی اروپایی شد و تغییرات شگرف و پر دامنه ای را در مناطق عربی و کشورهای همجوار پدید آورد و نظام اجتماعی، اخلاقی و سیاسی جدیدی را به عالم بشریت عرضه داشت. اسلام در دورانی پا به عرصه حیات گذارد که جهان وضعی آشفته داشت و مردم در گمراهی و انحراف بودند و غالباً از ادیان تحریف شده و نادرست پیروی می کردند. پاره ای از مردم آن عصر هیچ دینی نداشتند، برخی دیگر نیز به گمان خود از آرای فلاسفه پیروی می کردند و آنها را چون دینی می پنداشتند. دوران طلایی اسلام مصادف است با دوره ی خاموشی و انحطاط قرون وسطای اروپا که در آن، تنها تعلیمات اهل کلیسا مورد بحث و تفسیر واقع می شد. در حالی که دین اسلام، مروج فعالیتها و خدمات اجتماعی بود و رهبران آن در تفسیر افکار و ایجاد تحولات اجتماعی و به وجود آمدن یک تمدن خاص نقش اساسی بر عهده داشتند. اسلام در جهان مسیحی نفوذ گوناگون و بسیار داشت. اروپای مسیحی غذاها، دارو، درمان، اسلحه، استفاده از نشان های مخصوص خانوادگی، سلیقه و انگیزه هنری، ابزارها و فنون صنعت و تجارت و قوانین و راههای دریایی را از اسلام فراگرفت. فرزنانگان عالم اسلام، با در دست داشتن ترجمه ی آثار مهم یونانی، سریانی، هندی و غیره در خلق آثار گرانبها و ماندگار، سرآمد بسیاری از ملت ها ی روزگار شدند که این امر، خود بعدها عامل توسعه و جهش های علمی مغرب زمین و جهان گردید [تاریخ تفکر/اجتماعی در اسلام (از فارابی تا شریعتی)].

مفهوم اقتصاد^۱

اقتصاد به معنی میانه روی و رعایت اعتدال در خرج مال است و لزوم رعایت اعتدال و میانه روی در صرف مال از نظر اسلام یک قانون است، لذا تخلف از آن در هر مورد اسراف تلقی می شود. اقتصاد به یک نظام اقتصادی در یک منطقه جغرافیایی مشخص اطلاق می شود و در

¹ . economy

برگیرنده تولید، توزیع، یا تجارت و مصرف کالاها و خدمات در آن منطقه یا کشور است. یک اقتصاد مجموع کل ارزش معاملات میان فعالان اقتصادی نظیر افراد، گروهها، سازمانها و حتی ملتهاست [دغدغه ها و چشم اندازهای اقتصاد اسلامی، ص ۱۰۹].

تاریخچه و نقش نظام اقتصاد اسلامی

دانش اقتصاد اسلامی از همان آغاز اسلام در قرن اول هجری در طول قرن متمادی جمع آوری شده، اما رشد این دانش یکنواخت نبوده است. دانش اقتصاد اسلامی در زمان های رونق اجتماعی و فرهنگی رشد سریعی داشته ولی در زمان های دیگر راکد بوده است. علم اقتصاد اسلامی به موازات رشد دانش اقتصاد اسلامی در زمینه پول، سیاست های مالی، تجارت و بازارها و همچنین مبادلات مالی در طول زمان تحول یافت. اجتهاد در اقتصاد اسلامی در قرون ۷ و ۸ هجری به اوج خود رسید. در طول این دوره، دانشمندان برجسته ای همچون عبدالرحمن ابن خلدون (۱۴۶۶-۱۳۳۲ م) پدیدارهای اقتصادی را درون بستر اجتماعی و تاریخی آن بررسی و تفسیر نمودند. وی اصول و قوانینی را در اختیار گذاشت که توضیح دهنده ی چگونگی تغییر ماهیت مسائل اقتصادی در طول مراحل مختلف تمدن بشری بود و دلایل عمده تأثیر گذار بر رشد محصول و میزان جمعیت را با توجه به ملاحظات شریعت و اعتقادات اسلام تحلیل نمود [فلسفه اقتصاد اسلامی، ص ۶۳]. اقتصاد مورد نظر دین، به سامانه ای اطلاق می شود که برخاسته از دست آوردهای عقلی و نقلی است که در کنار هم به کار گرفته می شود. باهم بودن عقل و نقل (آیات و روایات) و امتزاج آن دو، اقتصادی را بوجود می آورد که در آن جدید ترین دست آوردهای علمی، در قالبی دین مدارانه پی ریزی می شود. در این اقتصاد، مردم افزون بر آبادی دنیا و ساماندهی زندگی دنیوی خود، نه تنها آخرت را حقیقتی مسلم دانسته، آن را فراموش نمی کنند، بلکه تک تک حرکتهای دنیوی خود را سمت و سویی اخروی می بخشند [نسبت دین و دنیا، ص ۲۲۶].

اهمیت تولید

انسان برای ادامه حیات و بهزیستن و بالا بردن سطح معیشت خود نیاز به نعمتهایی دارد که خداوند برای او مهیا فرموده است. مقداری از این نعمتها بدون هیچگونه تلاشی در اختیار او قرار دارد و نمونه ی بارز آن هوایی می باشد که جو زمین را فرا گرفته است. انسان آنچنان نیاز مبرمی به آن دارد که نمی تواند دقایقی چند بدون هوا زندگی کند ولی بهره مندی از آن احتیاج به هیچگونه تلاشی ندارد بلکه بطور آماده در اختیار بشر قرار دارد. اما خداوند بر اساس مصالحی، بسیاری از نعمتها را چنان قرار داده که انسان تنها در سایه ی کوشش می تواند بدانهایی دسترسی پیدا کند. تلاشهای مادی بشر می تواند در مسائل معنوی او هم تأثیر بسزایی داشته باشد. مثلاً اگر انسانها بخواهند آیات عظمت خداوند را بر فراز آسمانها، در دل دریاها، درون دره ها، یا حتی در وجود خودشان بیابند، اگر تلاش نکنند و تولید بیشتری نداشته باشند، شناخت

کاملی برای آنان میسر نمی گردد. هر عمل اقتصادی که در جهت به فعلیت رساندن بهره مندی از نعمتهای الهی باشد تولید است [درآمدی بر اقتصاد اسلامی، ص ۲۷۰]. از عوامل تولید می توان به زمین و کار اشاره کرد.

زمین: یکی از اهداف کلی سیاستهای اقتصادی در نظامهای اقتصادی، رشد و توسعه ی اقتصادی است. رشد در اصطلاح متداول معمولاً به افزایش تولید ناخالص ملی تعبیر می شود. بدون تردید یکی از اهداف نظام اقتصادی اسلام نیز آباد ساختن زمین و فراهم آوردن امکانات رفاه و آسایش مسلمانان می باشد [قرآن و اقتصاد، ص ۳۷۱]. بر همین اساس در قرآن کریم آمده است: «خداوند شما را از زمین آفرید و به آباد کردن آن مأمور ساخت.» [قرآن کریم، الهود، ۶۱]. امام باقر فرمود: ما در کتاب حضرت علی (ع) یافتیم که: « زمین متعلق به خداست و به هرکس از بندگان خویش بخواهد وا میگذارد و سرانجام نیک از آن پرهیزگاران است. من و خاندانم کسانی هستیم که خدا زمین را به ما واگذار کرده و ما هستیم پرهیزگاران و همه ی زمین از آن ماست.» بدین نکته باید توجه نمود که زمین حاصل کار انسان نیست و قبل از کار انسان نیز موجود بوده است. بلکه تنها بارآور شدن آن به سبب کار انسانی است. اما در مقابل، آنچه در اثر احیاء و زراعت از زمین حاصل می گردد، حاصل سعی انسان است [امبانی حکمی اقتصاد و معیشت، ص ۱۷۷]. خداوند متعال، انسان را خلیفه خود در زمین معرفی کرده و جهان را در تسخیر و به منزله امانتی در دست وی قرار داده است. « خداوند کسی است که دریا را مسخر شما قرار داده است تا در آن کشتیرانی کنید و از فضل او بهره گیرید؛ شاید سپاسگزاری کنید» [قرآن کریم، الجاثیه، ۱۲]. تسخیر به معنای تسلط مطلق بر طبیعت نیست؛ به گونه ای که انسان هر کاری را بخواهد درباره آن روا دارد؛ بلکه بدین معنی است که طبیعت این قابلیت را دارد که در مسیر استفاده انسان جهت رشد خود قرار گیرد و بشر این توانایی را دارد که با قدرت فکری خود از پدیده های طبیعی به اندازه لازم استفاده بکند و به اصطلاح، طبیعت از این لحاظ همانند موم در دست بشر است و در این جهت از خود مقاومتی نشان نمی دهد! [اقتصاد منابع طبیعی از منظر اسلام، ص ۲۵۹].

کار: یکی دیگر از عوامل تولید، نیروی کار است و در تعریف آن گفته اند: کار عبارت است از به وجود آوردن عمل، چه گفتاری یا رفتاری یا قلبی باشد، ولی کار با فعالیتهای بدنی تناسب بیشتری دارد. اسلام علاوه بر ارزش دادن به کار و لزوم قدردانی کامل در برابر هر نوع کار ارزشمند، یادآوری کرده که انگیزه اصلی برای کار تنها نباید رفع نیاز شخصی باشد، بلکه پذیرفتن کار باید هم به منظور رفع نیازهای زندگی و ایجاد حالت بی نیازی از نظر اقتصادی از سایرین و هم قصد خدمت به دیگران باشد. اهمیت کار در اسلام به حدی است که اجازه نمی دهد کارگری در اجتماع بیکار باشد، گرچه خود نیاز به کار کردن نداشته باشد، چون هر فرد در برابر جامعه مسئول است. همچنین در اهمیت کار اضافه شده که کار غیر از آنکه وسیله ای

برای زندگی است، راهی است برای انجام امور خیر، برطرف کردن نیاز مادی جامعه انسانی، از دید مذاهب نوعی عبادت است و در سایه آن مالکیت حاصل می شود و حق تصرف و تملک پدید می آید [دغدغه ها و چشم اندازهای اقتصاد اسلامی، ص ۶۰].

مناهی اقتصاد

در اقتصاد اسلامی، مباحث بسیار زیادی به چشم می خورد که هر کدام از باز داشتن و ممانعت کردن انجام امر یا اموری در اقتصاد حکایت می کند و بسته به نوع نهی شدت و ضعف دارد، این قبیل از مطالب را با عنوان مناهای اقتصادی طبقه بندی می کنند.

اسراف و تبذیر: اسراف، هر گونه گزافه کار و عبور از حد میانه است. اسراف نقطه مقابل اقتصاد به معنی میانه روی و رعایت اعتدال در خرج مال است و لزوم رعایت اعتدال و میانه روی در صرف مال از نظر اسلام یک قانون است، لذا تخلف از آن در هر مورد اسراف تلقی می شود. اسراف باعث افزایش تقاضای مبذرین و مسرفین برای مصرف کالاها و خدمات و در نتیجه بالا رفتن قیمت ها است. اسراف و تبذیر به تولیدات غیر ضروری و تجملی نیز زمینه مناسب عرضه را می دهد و در نتیجه از امکانات تولید کالاها یا تولید کالاها در اندازه های مورد نیاز جامعه می کاهد و موجب محرومیت مردم کم در آمد می شود. از نکات دیگر کاستن از امکانات ذخیره برای سرمایه گذاری آتی به واسطه اسراف است که موجب کاهش تولید می شود و فقر را به ارمغان می آورد [همان، ص ۱۱۰].

ربا: رباخواری از جمله موضوعاتی است که در جامعه بشری قطب مستضعف و مستمند را در برابر قطب مستکبر و ثروتمندان قرار می دهد و یکی از راه هایی است که انسانهای ظالم و زالو صفت، خون انسان های مظلوم را از این طریق مکیده و ثمره ی دسترنج آنها را به آسانی و بدون هیچ زحمتی از دستشان می گیرند و طبقه محروم را برای همیشه در موقعیت بهره دهی قرار می دهند. به هر حال آیات قرآن مجید مربوط به ربا هنگامی نازل شد که رباخواری با شدت هرچه تمام تر در مکه و مدینه و جزیره عربستان رواج داشت و یکی از عوامل مهم زندگی طبقاتی و ناتوانی شدید طبقه زحمتکش و طغیان اسراف بود. لذا مبارزه قرآن با ربا بخش مهمی از مبارزات اجتماعی اسلام را تشکیل می دهد [فقرستیزی، ص ۸۹]. در نگرش دین جامعه ای که بر پایه ی ربا فعالیتهای اقتصادی و معیشتی خود را سامان دهد، به سوی نابودی گام می نهد، واز رستگاری و شکوفایی واقعی باز می ماند. *یمحق الله الربا*» خداوند مال ربا را نابود می کند» [قرآن کریم، البقره، ۲۸۶].

احتکار: احتکار آن است که انسان کالائی را پس از خریداری مخفی نموده تا گران شود و سپس آن را بفروشد. احتکار، ظلمی فاحش و گناهی نا بخشودنی است که در قرآن و روایات مورد نکوهش قرار گرفته است. از اینرو احتکار از مصادیق روشن ظلم و تعدی به حقوق مردم به شمار می رود که جز با رضایت صاحبان حق، جرم آن بخشیده نخواهد شد. این عمل زشت از

همه کارها نیازمند تحصیل و تخصیص است و جامعه اسلامی اگر زندگی آبرومندانه می خواهد راهی جز مسلح شدن به همه علوم ندارد. ائمه اطهار شاگردانی صاحب نظر در زمینه علوم طبیعی تربیت کرده اند و این خود، دلیل بر شمولیت عام ارزش علم است. به عنوان نمونه فقط به یکی از شاگردان امام صادق (ع) یعنی جابر ابن حیان اشاره می شود: این دانشمند اسلامی پدر علم شیمی محسوب می شود [تفسیر علمی قرآن، ج ۱]. اسلام تنها با علمی که موجب گمراهی انسان می شود، مخالف است اما علم و علم آموزی مثبت را به طور مطلق تأیید می کند. پیامبر (ص) فرموده است: العلم علمان: علم الادیان و علم الابدان. علمی مربوط به دین اند و علمی مربوط به جسم و ماده. از آنجا که روح در بستر جسم و ماده رشد و نمو می کند، هرچه جسم سالم تر باشد، روح نیز بیشتر در مسیر تکامل قرار می گیرد. پس علاوه بر علوم دینی، علوم ابدان نیز در اسلام موضوعیت داشته و مورد تأکید قرار گرفته است [نقش اسلام در توسعه فرهنگی، ص ۱۱۱].

اعجاز علمی

در کنار سایر وجوه اعجاز قرآن که در عصر پیامبر (ص) هم برای کافران شگفت انگیز بود، وجه دیگری از اعجاز مطرح است که پس از رشد و شکوفایی علوم در میان دانشمندان قابل اثبات است که همان اعجاز علمی است. این وجه به این نکته اشاره می کند که قرآن در زمانی که از شکوفایی علوم طبیعی و تجربی خبری نبود وقتی به برخی پدیده ها مثل آسمان و زمین و خورشید و ماه و ستارگان و گیاهان و کوه ها و... اشاره می کند آنچنان سخن می گوید که با جدیدترین کشفیات علوم و دانشهای بشری که قطعی شده، کاملاً سازگار است. نمونه ای از اعجاز علمی قرآن، سخن گفتن از پدیده ی گسترش عالم ستارگان و کهکشانها در آسمان است که در قرن ۱۴ هجری توسط دانشمندان کشف شده است [آشنایی با دانشهای قرآنی، ص ۶۷]. ﴿وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ﴾ «و آسمان را به قدرت ساختیم و هر آینه ما گسترش دهنده ایم» [قرآن کریم، الذاریات، ۴۷].

ماده ی اصلی آسمان: قرآن ماده ی اصلی آسمان را دود و دود می داند: ﴿ثم استوی الی السماء وهی دخان ...﴾ سپس آهنگ آفرینش کرد و آن بخاری بود. پس به آن و به زمین فرمود خواه نا خواه بیایید. آن دوگفتند فرمان پذیر آمدیم. تشبیه به دخان اشاره ی قوی و دقیقی دارد به این که ماده ی آسمان ها در آغاز شبیه دود و بخار عادی بوده در مهم ترین صفاتش، یعنی اجزای آن، جدا از هم، تاریک، سبک، منتشر در فضا مانند گاز، گرم و مشتمل بر مواد سه گانه بوده است [قرآن کریم، الفصّلت، ۱۱].

فقدان اکسیژن و هوای کافی در ارتفاعات: ﴿فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا...﴾ «خداوند هر که را بخواهد گمراه کند، دلش را سخت تنگ می گرداند چنان که گویی به زحمت در آسمان بالا می رود» (قرآن کریم، الانعام، ۱۲۵).

وقتی با هواپیماهای شکاری اوج می گیریم، خون در پاها جمع می شود، مغز دچار کم خونی شده، به فقسه سینه فشار وارد می آید. به همین جهت لباس های مخصوص پوشیده که با فشار بر رگها نگذارد خون ها بیش از حد در پاها جمع شود و تعادل بدن به هم بخورد. وقتی اوج می گیریم چنان فشاری به سینه های ما وارد می شود که می خواهد در هم مچاله شود! ژرفایی قرآن و شیوه های برداشت/زآن، ص ۴۱.

زمین: دلایلی برای کرویت زمین است که در وحله اول می توان رصد کردن یک کشتی در حال نزدیک شدن به ساحل را مشاهده نمود. دلیل بعدی، خسوف می باشد. زمانی که خسوف روی می دهد یعنی سایه زمین روی ماه می افتد این سایه گرد می باشد. جدیدترین و بهترین مدرکی که امروزه به استناد به آن می توان کرویت زمین را اثبات کرد عکسهای ماهواره ای است. مهمترین پدیده ای که از کرویت زمین ناشی می شود پراکندگی نامساوی گرما در سطح زمین است. اشعه های خورشید همه در یک راستا در فضا پخش می شوند. حال اگر این اشعه ها با یک سطح صاف برخورد کنند چون با تمام نقاط آن با یک زاویه برخورد می کنند تمام سطح آنرا به یک اندازه گرم می کند. اگر همین اشعه های خورشید به یک سطح منحنی برخورد کند زوایای مختلفی را با سطح منحنی تشکیل خواهند داد. این مسئله پدیده های جغرافیایی مهمی را در سطح زمین ایجاد می کند [چگونه جهان متولد شد؟، ص ۹۴]. * رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَرَبُّ الْمَشَارِقِ * [قرآن کریم، الصافات، ۵] «او پروردگار آسمانها و زمین و آنچه در میان آنهاست و پروردگار مشرق هاست.» * فَلَا أُقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ إِنَّا لَقَادِرُونَ * «سوگند! به پروردگار مشرقها و مغربها که ما می توانیم» [قرآن کریم، المعارج، ۴۰]. این سلسله آیات درعین اینکه بر متعدد بودن محل طلوع و تابش آفتاب و محل غروب آن دلالت می کند، برکروی بودن زمین نیز اشاره دارد.

مفهوم شناخت^۱

مفهوم شناخت مفهومی بدیهی است و نیازمند توضیح و تعریف نمی باشد [خدا/شناسی ص ۲۳]. تراوشهای فکری مربوط به دانش های عام و خاص، قراردادهای و هنرها عناصر اصلی معرفت آدمی به شمار می آیند [و/مدری غرب نسبت به شرق بویژه/اسلام و/ایران، ص ۱۴۷].

علل رکود و جنبش فکری در قرون وسطی

در قرون وسطی، اروپا هزار سال در یک رکود و توقف بسیار فجیع بسر می برد و بعد بلافاصله این دوره ی رکود و توقف به یک جنبش همه جانبه ی انقلابی در علم و هنر و ادب و مسائل انسانی و اجتماعی منجر شد و نیز باعث پیدایش تمدن و فرهنگ امروز دنیا گشت. عامل اساسی رکود اندیشه و فرهنگ اروپا روش ارسطویی قیاسی بود و هنگامی که این نوع روش نگرستن به اشیاء و مسائل عوض شد، علم و دنیا و جامعه عوض شد و در پی آن زندگی انسان،

¹. Knowledge

فرهنگ و فکر و حرکت علمی نیز تغییر کرد. نوپذیری و سستی بنیادها و پیوندهای کهنه که پس از جنگهای صلیبی پدید آمد و جهان را در چشم غربیها بسیار وسیع و متنوع نمود، عشق به جهانگردی را در آنان بیدار کرد و از این رو بود که در قرون ۱۵ و ۱۶ نهضت جهانگردی و کشفیات پیاپی جغرافیایی به اوج خود رسید. پس جنگهای صلیبی علت نخستین بیداری و جنبش اروپا و عامل اساسی تمدن امروز غرب است. بی شک ارسطو نابغه تر از فرانسیس^۱ بیکن و افلاطون نابغه تر از راجرز^۲ بیکن است، اما چرا این افرادی که از نظر نبوغ در سطحی پائین تر از شخصیتهایی مثل ارسطو هستند، عامل بیداری اروپا و پیشرفت علم شدند ولی خود آن نوابغ موجب توقف هزار ساله ی قرون وسطی گشتند؟ درحقیقت، پیدا کردن راه درست اندیشیدن باعث رسیدن به حقیقت و اختراع و اکتشاف می گردد [روش شناخت /سلام، صص ۵۴-۵۳].

روش و اهمیت شناخت

هر کاری که با رویه ی درست و مناسب انجام گیرد بازده بهتری دارد و نتیجه ی مطلوب می دهد. توجه به ضرورت روش صحیح برای شناخت از دیر زمان آغاز شد. در حدود بیست و پنج قرن پیش در یونان باستان جنگ شدید افکار و عقاید آغاز شده بود و در برخورد شدید آراء و عقاید، گروههایی متوجه شدند که انسان اگر بخواهد به حقیقت و به مطلب درستی برسد، باید برای اندیشیدن و شناخت روشی صحیح داشته باشد. متفکران یونان باستان در این دوره به فکر تنظیم روش مناسبی برای اندیشه و شناخت افتادند. قبل از افلاطون گروهی روشی برای شناخت تنظیم کردند و در اصطلاح یونانی نام آن را لوجیکا^۳ یعنی منطق گذاشتند. وقتی در دوره اسلامی ترجمه ی آثار یونان باستان به زبان عربی شروع شد، برای لفظ لوجیکا معادل منطق را انتخاب کردند. سقراط برای راه بردن درست اندیشه روشی را انتخاب کرد که به روش سقراطی معروف است [شناخت / از دیدگاه قرآن، ص ۴۴۶]. روش آموزش سقراطی را می توان روش گفتگو نیز نامید، زیرا سقراط به جای آنکه نظر خود را به شاگرد تحمیل و یا به ذهن او القا کند سعی می کرد تعلیم را از جایی که مورد علاقه مخاطب است آغاز کند و او را به کوشش برای درک مطلب یا حل مسئله مورد بحث سوق دهد. سقراط دانایی را برای نیک رفتار کردن کافی دانسته است، در حالی که شناخت خوبی و بدی برای احتراز از کار بد کافی نیست، چه بسا افرادی که به کارهایی مانند میخوارگی می پردازند، درحالی که به زیانهای چنین عملی آگاهند یا به آزار دیگران می پردازند یا دست به جرم و جنایت می زنند نسبت دین و دنیا (ص ۲۰). قرآن در آیاتی که می خواهد اندامهای شناخت را بشمارد از سه چیز به عنوان اندام شناخت نام می برد: سمع، بصر و فؤاد. *والله اخرجکم من بطون امهاتکم لا تعلمون شیئا، و جعل لکم السمع و الابصار و الافئده لعلکم تشکرون * «خدا شما را از شکمهای مادرانتان بیرون

¹ Francis

² Rogers

³ Logic

آورد در حالی که هیچ نمی دانستید. و به شما گوش و دیده و دل داد، بدان امید که قدر آنها را بدانید و شکر آنها را بگزارید» [قرآن کریم، النحل، ۷۸]. نا آگاهی، سرچشمه هر بدبختی است. در آغاز آفرینش، خداوند حضرت آدم (ع) را آگاه کرد و دانش لازم را به او آموخت. همچنین خداوند، شناخت را خیر فراوان می داند و می فرماید: همانا به هرکس که حکمت بخشیده شود، به او خیر کثیر بخشیده شده است. پیامبران با شناخت، آگاهی و ایمانی که به هدف دارند، برای ارشاد مردم به پا می خیزند؛ از این رو، در راه رسیدن به هدف خود استوارند؛ در مقابل، دلیل مخالفت امت ها با پیامبران و اهداف نورانی شان، نا آگاهی و نداشتن بینش صحیح بوده است. همواره انبیا از نادانی امت ها رنج می بردند. بدون شک در دنیای امروز، نیاز ملت ها به آگاهی بیش از گذشته می باشد، زیرا فتنه گران در تمام زمینه ها و با انواع فریب ها در پی فریفتن ملت ها هستند و این گونه، بسیاری از کشورها و ملت ها را گمراه کرده اند. اکنون آگاهی ملت ها می تواند این ترفندها را نقش بر آب کند و این همان هدفی است که انبیای الهی و ادیان آسمانی در پی آن بودند [بصیرت نیاز همیشگی، ص ۴۵]. انسان موجودی است که نه تنها رفتارش بر اساس شناخت و معرفت صورت می گیرد و آگاهانه عمل می کند بلکه سعادت واقعی او نیز در گرو معرفت و ایمان است. شناخت صحیح جهان و تفسیر و تبیین واقع بینانه از آن، انسان را با هویت واقعی خویش آشنا می سازد و مسیر درست زندگی را در پیش روی وی می نهد. اهمیت علم و شناخت علاوه بر آن که با فطرت و عقل خدا دادی انسان قابل درک است مورد تأکید وحی نیز می باشد [خدا شناسی، ص ۱۵].

بصیرت در عبادت

عبادت خداوند از اموری است که نیاز به آگاهی دارد. قرآن تکیه دارد تا ملکات عالی در انسان بارور شود. این همه عبادت های گوناگون در اسلام که به عنوان پایه تلقی می شود، همه میدانهای بارور کردن و رشد تمایلات است. اگر نمازی که خوانده می شود بی روح باشد و از سر عادت، هیچ اثری ندارد. صلاتی که *تنهی عن الفحشاء و المنکر* نباشد، قدرتش ضعیف شده چون نماز نتوانسته عامل رشد تمایل حق طلبی و خدا طلبی در ما باشد. روزه، حج... تمام این عبادات زمینه ای است برای رشد آن تمایلات. در اینجا آگاهی نقش بازی می کند. یعنی وقتی انسان آگاه شود روزه ای که می گیرد روزه نیست، و این نمازی که می خواند نماز نیست، آگاهی می تواند در خدمت آن تمایل قرار بگیرد و انسان را به سمت نماز سازنده پیش ببرد. اما به شرط آنکه این تمایل نمرده باشد. اینکه راهنمایی برای عده ای سودمند است و برای عده ای نیست، چون آن عده ای که تمایلات و آن فطرت هنوز در ایشان مانده راهنمایی برایشان مؤثر است [شناخت از دیدگاه قرآن، صص ۶۳-۶۲]. فقدان این عنصر سرنوشت ساز انسان را دچار غفلت و به دنبال آن اسیر خرافات و پندارهای سست بنیان می کند و او را از دست یابی به تکامل واقعی اش محروم می نماید. قرآن مجید انسان هایی را که از ابزارهای شناخت خود بهره

- [۲۸] فلسفه اقتصاد اسلامی، حسین عیوضلو، عقیل حسینی، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق(ع)، چاپ اول، (۱۳۹۰).
- [۲۹] چگونه جهان متولد شد؟، احمد غلامی اول، تهران، انتشارات هدف صالحین، چاپ اول، (۱۳۸۳).
- [۳۰] اقتصاد منابع طبیعی از منظر اسلام، سعید فراهانی فرد، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، (۱۳۸۹).
- [۳۱] معرفت دینی، قدرت الله فرقانی؛ احمد حیدری؛ علی رفیعی، تهران، اداره آموزش عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، چاپ چهارم، (۱۳۸۵).
- [۳۲] خدا شناسی، احمد فقیهی، قم، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، چاپ دوم، (۱۳۸۳).
- [۳۳] سیر آراء تربیتی در غرب، علی محمد کاردان، تهران، انتشارات سمت، چاپ چهارم، (۱۳۸۸).
- [۳۴] درباره ی فرهنگ، مرزبان کریمی، تهران، انتشارات اندیشه اسلامی، چاپ اول، (۱۳۸۵).
- [۳۵] اسلام و مبارزه با مفاصد اقتصادی، حسینعلی محمدی نژاد، تهران، نشر نخیل، چاپ اول، (۱۳۸۶).
- [۳۶] مبانی حکمی اقتصاد و معیشت، عباس معارف، آبادان، انتشارات پرسش، چاپ چهارم، (۱۳۹۱).
- [۳۷] دین، توسعه و فرهنگ، میثم موسایی، تهران، انتشارات جامعه شناسان، چاپ اول، (۱۳۹۰).
- [۳۸] نظام مالی اسلام رابطه ی خمس و زکات با مالیاتهای حکومتی، احمدعلی یوسفی و همکاران، تهران، نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، (۱۳۷۹).

Abdul WahabR,2012.**Death of stars from Quranic perspective and its correlation to the astronomical context** .Journal of scientific research 12 :119-123

Bhatta S D, 2001.**Are inequality and poverty harmful for economic growth** . Journal of urban Affairs, 23 : 335-359

Sharif Kaf AG, 2004. **Reflections on the medical miracles of the holy Quran**.
<http://www.islamicmedicine.org/medmiraclesofquran/medmiracleseng.html>. [Accessed ۲۰February۲۰۱۴]

Examine the role of religious teachings on human intellectual movement

Abstract

The purpose of the present study was to examine the role of religious teachings on human intellectual movement. This study is a fundamental research was conducted in descriptive – analysis method. Findings in cultural aspects showed that, the rise of Islam had a great role in cultural improvement. Also economic aspect showed the role of religion in improving economic goals. In order to strengthen the community, need to multiply wealth, income distribution is fair and reasonable. In the scientific aspect , Islam take an importance on learning science and have compatibility with new discoveries and scientific miracles. Findings on cognitive dimension also showed that knowledge is one of the most important needs for human life and ignorance is the sally port to the evil and corruption . Hence one of the holy prophet's pride is to challenge the figments and Penelope and removing superstitions from the human intellect.

Keyword: Religious Teachings, culture, economic, science, knowledge.